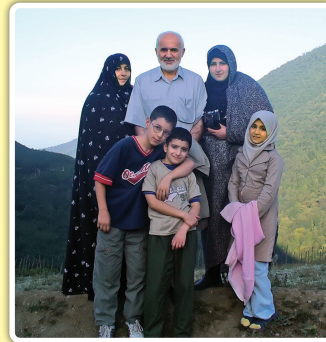


سیده بهیجه حسینی:

دعوا کردن بلد نیستیم



دکتر احمد توکلی، هیچ‌گاه در نقدهای خود یا کسی تعارف ندارد و هر جا لازم باشد با تکیه بر علم و دانش خود، دست به قلم می‌شود اما معتقد است نقد کردن آدابی دارد که باید رعایت شود. او با استناد به آیه‌ای از قرآن می‌گوید: «خداوند به ما سفارش می‌کند که دشمنی شما با گروهی باعث نشود که از عدالت خارج شوید. «اغدلوا هوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی» عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر (از هر عمل) است. (آیه ۸ سوره مبارک مائده)». دکتر توکلی، بر چند ویژگی نقد منصفانه تأکید می‌کند:

- نقد باید انسانی و اسلامی باشد.
- هم‌خوبی‌ها و هم‌بدی‌ها را ببینیم.
- اخلاق را مدنظر داشته باشیم.
- اسپر تمایلات شخصی نشویم.
- از حقیقت دور نشویم.
- انصاف داشته باشیم.
- مطالعه داشته باشیم.
- نقدمان مبنای علمی داشته باشد.
- به علم وفادار باشیم.
- به عدالت رفتار کنیم.
- اخلاق را مدنظر داشته باشیم.
- هنگام خشم، نقد نکنیم.
- حرف‌های شعاری نزنیم.
- به حقوق طرف مقابل احترام بگذاریم.
- یادمان باشد که نقد معنایش دشمنی با افراد و سلیق مختلف نیست.

غرض‌ورزی نکنیم!

گفت‌وگو با دکتر احمد توکلی

رسیدن به اهداف بزرگ بدون ریاضت غیر ممکن است

احساس من نسبت به همسر من مثل احساس ۲۴ بهمن سال ۱۳۴۹ است
او همیشه در همه سختی‌ها همراه من بوده است



کتابخوانی و تشویق به مطالعه

علاقه به مطالعه و تشویق به کتابخوانی یکی از ویژگی‌های دکتر احمد توکلی است. بهیجه حسینی می‌گوید: «کتابخوانی در خانواده ما عادت همیشگی بود و این علاقه در فرزندانمان هم از دوران کودکی وجود داشت. بچه‌ها اقتدار با کتاب مانوس شده بودند که مهدی از همان ۷ سالگی کتابخانه اختصاصی داشت. من هم تا جایی که می‌توانستم برای بچه‌ها قبل از خواب کتاب می‌خواندم.»

هدیه‌ای که

سبب خیر شد! احمد جلالی از دوستان نزدیک احمد توکلی است و رفاقت آنها به دوران دانشجویی برمی‌گردد. همسر دکتر توکلی از روزی می‌گوید که مأموران ساواک برای بازرسی و پیدا کردن اعلامیه به خانه آنها آمدند و هدیه احمد جلالی را پیدا کردند: «زندگی را به دور از تشریفات و در اتاق کوچک اجاره‌ای شروع کرده بودیم. صاحبخانه در گوشه‌ای از حیاط فضای کوچک به‌عنوان آشپزخانه ما در نظر گرفته بود. در راهرو ورودی خانه رختخواب‌های اضافی را گذاشته بودیم و به‌عنوان مخفیگاه اعلامیه‌ها استفاده می‌کردیم. یک روز مأموران ساواک به‌خانه ما آمدند. حین بازرسی یکی از مأموران باین تصور که اعلامیه‌ای پیدا کرده، برگه‌ای را از لای کتاب‌ها بیرون کشید؛ دست‌خطی بود که احمد جلالی از دوستانم دانستگهای پدرش با تکیه بر علم و دانش خود، دست به قلم می‌شود اما معتقد است نقد کردن آدابی دارد که باید رعایت شود. او با استناد به آیه‌ای از قرآن می‌گوید: «خداوند به ما سفارش می‌کند که دشمنی شما با گروهی باعث نشود که از عدالت خارج شوید. «اغدلوا هوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی» عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر (از هر عمل) است. (آیه ۸ سوره مبارک مائده)». دکتر توکلی، بر چند ویژگی نقد منصفانه تأکید می‌کند:

بچه‌ها مستقل بوند

سیده بهیجه حسینی به دو نکته تربیتی از دیدگاه احمد توکلی تأکید دارد: «در خانه، هر کدام از بچه‌ها وظیفه‌ای بر عهده داشتند. پدرشان تأکید داشت که آنها باید از همان کودکی مستقل بار بیایند. به‌خصوص درباره پسرها این تأکید را داشت تا بتوانند کارهای مربوط به خودشان را انجام دهند. یادم هست فرزند اول مان، مهدی نبت‌نام کلاس پنجم دبستان را خودش انجام داد. پدرش پرونده تحصیلی‌اش را به او داد که به مدرسه برود و نبت‌نام حتی از زمانی که ۱۵ سال داشت از او می‌خواست خرید نان را برای خانه انجام دهد. برای بچه‌ها کتاب می‌خرید و مفصل با آنها صحبت می‌کرد. وقتی دخترها به سن تکلیف می‌رسیدند از آنها می‌خواست که دیگر با پسرهای نوجوان فامیل بازی نکنند. با آنها صحبت می‌کرد و منطق خودش را البته با زبان شیرینش که آکنده از تمثیل و داستان بود عرضه می‌کرد تا مجاب شوند و خودشان این تصمیم را بگیرند.»

روز به یادماندنی

خانم حسینی در ادامه یکی از به یادماندنی‌ترین خاطراتش از آزادی احمد توکلی در روز ۱۹ اسفند ۱۳۵۵ را برای مان تعریف می‌کند: «همراه با مهدی، نخستین فرزندانمان، از مازندران به تهران آمدم تا حاج‌آقا را در زندان اوین ملاقات کنیم. آن زمان قانون زندان این بود که هر عمامه اجازه ملاقات می‌دادند و چون ۲ روز قبل مادرش با احمدآقا ملاقات کرده بود به من اجازه ندادند. به خانه خواهر احمدآقا رفتیم. مادرش مدام اشک می‌ریخت و می‌گفت من خیر نداشتم؛ کاش تو به ملاقات می‌رفتی. من گفتم قسمت این بود. انشاءالله خودش آزاد می‌شود. در همین حین صدای زنگ بلند شد و از نوع زنگ زدندش متوجه شدم احمدآقا آزاد شده است.»

پرهیز از اسراف در روز خاکسپاری فرزند

در گذشت محمد توکلی، یکی از تلخ‌ترین اتفاقات برای خانواده توکلی بود. محمد مدت‌ها از بیماری رنج می‌برد. تلاش پزشکان برای نجات جان او بی‌نتیجه ماند و محمد توکلی که از طراحان گرافیک خوش‌ذوق بود ۲۸ بهمن سال ۱۳۹۶ درگذشت. احمد توکلی در مراسم ترحیم فرزندش، درحالی‌که به‌شدت متأثر بود، از شرکت‌کنندگان خواست از چاپ پیام تسلیت در مطبوعات، ارسال دسته گل و بنر تسلیت خودداری کنند و گفت: «بیماری به هزنه‌های زاید و تشریفات نیست و اطمینان دارم روح فرزندم از این اقدام عزیزان شاد خواهد شد.» گلزار آستان امامزاده عینعلی، زینعلی، برای خاکسپاری محمد پیشنهاد شد. اما دکتر توکلی به‌دلیل گران بودن قبر در این امامزاده، مخالفت کرد. پس از باخبر شدن نزدیکان از این موضوع، برادر شهیدی که با خانواده هم نسبت داشت، پیشنهاد کرد: «من در امامزاده مذکور قبر دارم که نیت دارم یکی از آنها را برای خاکسپاری محمد اختصاص دهم.»



شهره کیانوش‌راد

دکتر احمد توکلی، سیاستمدار شناخته‌شده‌ای است که تجربه حضور در مسئولیت‌های مختلف را در کارنامه سیاسی خود دارد. او پیش از انقلاب اسلامی از دانشجویان فعال بود که بارها به زندان افتاد. مدتی است به علت بیماری، حضور کمتری در مجامع و محافل سیاسی دارد اما همچنان اخبار را رصد می‌کند و هر جا لازم بدانند، دست به قلم می‌شود تا نقدهای دلسوزانه‌اش را به مسئولان برساند. همزمان خانه او شدیوم تا بر ایمان از زندگی‌اش بگوید که با حوادث انقلاب بی‌توند ناگسستگی داشته‌است. او که پدر ۲ دختر و ۵ پسر است در این گفت‌وگوی خودمانی، بر ایمان از اهمیت خانواده و نقش همسرش در زندگی مشترک صحبت کرد.



آقای دکتر، ما از فرزندان و دوستانتان شنیده‌ایم که شما خیلی هوای حاج‌خانم را دارید.

می‌کمی؟ لیلی و لیلی کیست من؟ مایکی روحیم اندر دویمن این بیست از مولانا وصف حال من و حاج‌خانم در سال‌هایی است که با هم زندگی کرده‌ایم و به‌نظم بهترین توصیف است. حقیقتاً احساس من نسبت به ایشان مثل احساس ۲۴ بهمن سال ۱۳۴۹ است. ما الان پنجاه‌دو سال است با هم زندگی می‌کنیم. هیچ‌وقت با هم رفتاری تند یا خارج از ادب و احترام نداشته‌ایم. البته طبیعی است که اختلاف نظر وجود داشته و گاهی پیش آمده که از هم دلخور شویم، اما مدت‌ش کوتاه بوده و خیلی زود برطرف شده‌است. همان ابتدا ما با هم وعده‌هایی دادیم و قول و قرارهایی گذاشتیم که تا آخر به آن پایبند باشیم و بوده‌ایم.

شما چهار بار توسط ساواک دستگیر شدید، همسرتان می‌دانستند که قرار است زندگیتان با مرید انقلابی را شروع کنید و در راهی سخت قدم بگذارند؟ او هم من از همان اول صادقانه به ایشان گفته بودم. تمام حرف‌هایم را در دفتر چم‌ای نوشتم و از طریق مادرشان که خاله من بود به ایشان رساندم. در آن دفتر نوشته بودم که من یک‌بار دستگیر شدم، اما پدر و مادرم خبر ندارند و ممکن است باز هم دستگیر شوم. ممکن است اقدام شوم حتی خطاب به او نوشته بودم ممکن است بپوشه شوی و...

نگران نبودید، جواب رد بگیرد؟ وظیفه داشتم همه حقایق را قبل از ازدواج بگویم. البته می‌دانستم قبول می‌کنند!

از کجا ایقتدر مطمئن بودید؟ حاج‌خانم، از همان دوران فردی مقید به مذهب و اهل سواد و دانش بودند و می‌دانستم اهمیت مبارزات انقلاب را درک می‌کنند. چندبار ایشان را امتحان کرده بودم. ماجرای خواستگاری هم جزو خاطرات شیرین ما به‌شمار می‌آید. بهمن ۱۳۴۹ ترم اول دانشگاه را در شیراز تمام کرده بودم. به تهران رفتم تا به خواهرم سر بزنم. پدر و مادرم هم از بهشهر به تهران آمده بودند. مادرم همان روز حرف از ازدواج من را پیش کشید و گفت برای دختر خاله‌ات خواستگار آمده‌است. آن آقای

بندید». **آقای دکتر، الان و بعد از این همه سال مبارزه و فعالیت سیاسی، رنج و بیماری جسمی و احیاناً نامهربانی‌هایی که دیده‌اید، اگر به گذشته برگردید، همین راه را انتخاب می‌کنید؟** از مسیری که انتخاب کرده‌ام، پشیمان نیستیم. به هر حال «هر که طاووس خواهد، جور هندوستان کشد...». رسیدن به اهداف بزرگ، بدون ریاضت و سختی غیرممکن است.

نگاهی کوتاه به زندگی احمد توکلی

۱۳۵۹

نماینده مجلس شورای اسلامی از بهشهر

۱۳۶۰

وزیرکار و سخنگوی دولت میرحسین موسوی

۱۳۶۲

استعفا از کابینه و ادامه فعالیت به‌عنوان مشاور مرتضی‌نبوی، وزیر پست و تلگراف و تلفن

۱۳۶۴

تأسیس روزنامه رسالت به همراه جمعی از سیاستوران

۱۳۶۸

تحصیل در رشته اقتصاد، مقطع کارشناسی دانشگاه شهیدبهبشتی



۱۳۷۵

دریافت مدرک دکتری اقتصاد از دانشگاه ناتینگهام انگلستان

۱۳۷۶

تأسیس روزنامه فردا

۱۳۸۲

تا ۱۳۹۴ نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی



۱۳۸۶

تأسیس پایگاه خبری تحلیلی «الف»

۱۳۹۲

بازنشستگی از دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهیدبهبشتی

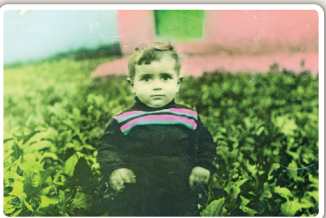
۱۳۹۴

تاکون عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام



۱۳۳۰

تولد در بهشهر



۱۳۴۸

شروع تحصیل در رشته برق در دانشگاه شیراز



رفیق و نظر ششم، کتار مدیر مدرسه

۱۳۴۹

ازدواج با بانوسیده بهیجه حسینی



۱۳۵۰

اخراج از دانشگاه به دلیل اعتصاب و فعالیت علیه رژیم پهلوی

۱۳۵۰

دستگیری توسط ساواک و زندانی شدن در زندان کریم‌خان زند به مدت ۸ ماه

۱۳۵۱

گذراندن سربازی بعد از زندان و محکومیت اول



۱۳۵۸

مسئول کمیته انقلاب و دادیار داسرای انقلاب اسلامی در بهشهر